

پیشگفتار:

زیر بنای علمی هر جامعه ای را آموزش و پرورش آن تشکیل می دهد، بنابراین با افزایش کیفیت آموزشی می توان ساختار علمی یک جامعه را مستحکم و توانمند ساخت. از اینرو بر عهده کارشناسان خبره آموزش است که روش های مختلف را که درافزایش کیفیت آموزشی مؤثرند را مورد بررسی قرار دهند

روش تحقیق:

مقدمه:

کیفیت مهمترین معیار توسعه آموزش و پرورش است.

موضوع کیفیت در اکثر نظام های آموزشی، به یکی از مفاهیم اساسی در سیاست گذاری های کلان آموزشی تبدیل شده است و از این رو، کیفیت گرایی به منزله مرحله مهمی از تاریخ تحولات آموزش و پرورش مطرح شده است. کیفیت در حال حاضر یکی از محورهای اصلی همه مباحث آموزشی است و ارتقای آن مهمترین وظیفه وزارت آموزش و پرورش است. حتی ارتقاء کیفیت نظام تعلیم و تربیت، به منزله هدف غایی برخی مراکز پژوهشی آموزش و پرورش کشورمان دیده شده است.

مفهوم کیفیت در آموزش و پرورش، اصطلاح چند پهلو، مشتبه کننده و مبهمی است. به همین جهت معیارهای متفاوتی برای قضاوت درباره کیفیت مدارس و آموزش و پرورش معرفی شده است. پس قبل از هر چیز لازم است مفهوم کیفیت توضیح داده شود

امروزه بدون شک توجه بیشتر به امر تعلیم و تربیت مهمترین عامل پیشرفت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی جامعه است. تعلیم و تربیت عهده دار ایجاد زمینه مناسب جهت تسهیل و توسعه استعدادها و توانایی های افراد است. به این جهت است که بیشتر جوامع در تبیین هدفها و اتخاذ روشهای آموزشی کلیه مساعی خود را به کار می برد برپهی است این امر مستلزم برنامه ریزی وسیع، جامع و حساب شده با توجه به اهداف عمومی آموزشی در هر جامعه ای خواهد بود. تاسیس مراکز آموزشی از سطح پیش دبستانی تا دوره های آموزش عالی، گزینش معلمان، مربیان، دبیران، استادان فراهم آوردن امکانات و تجهیزات آموزشی، تهیه متون و محتوای آموزشی، پیشنهاد شیوه های مختلف آموزشی، نظارت بر امر آموزش و به طور کلی برنامه ریزی و مدیریت مناسب از وظایف مهم کارگزاران تعلیم و تربیت به حساب می آیند. اما

اینکه هدف های آموزشی چه هستند و روشهای حصول به آنها تا چه اندازه با اهداف تناسب دارند سوالی است که همواره بهره گیران نظام آموزشی صد در صد به اهداف آموزشی جود نرسیده است ولی موفق بودن هر نظام آموزشی نزدیکتر شدن هر چه بیشتر به اهداف تعیین شده بستگی دارد و به این ترتیب هیچ نظام آموزشی را نیز نمی توان ناموفق خواند بنابراین هر کجا که عدم موفقیت آن نظام در نزریک تر شدن به اهداف است .یکی از آفت های بزرگ تعلیم و تربیت هر نظامی که همه ساله به میزان بسیار زیادی امکانات ، منابع ، و استعدادها ی بالقوه انسانی و اقتصادی را تلف می کند و اثرات غیر قابل جبرانی را در ابعاد فردی و اجتماعی به جای می گذارد .پدیده افت تحصیلی است به همین دلیل است که یکی از ملاکهای عدم موفقیت هر نظام آموزشی را میزان افت تحصیلی در آن می دانند وامروزه مسله افت تحصیلی گریبان گیر کلیه نظام های آموزشی است و به لحاظ ارتباطی که اساسا جریان تعلیم و تربیت با دیگر نهاد های اجتماعی ، فرهنگی ،سیاسی دارد افت تحصیلی نیز از ابعاد مختلف مورد بررسی و مطالعه پژوهشگران قرار می گیرد .

باید این مساله را مورد اشاره قرار داد که یکی از ماهیت های اصلی نظام آموزشی و مدرسه ، ایجاد حس رقابت در دانش آموزان به عناوین مختلف است. بدون شک تا به امروز اولین راه سنجش دانش آموزان و مقایسه ی ایشان با یکدیگر، نمرات درسی بوده است. اما باید به این مساله اذعان داشت که امروزه نمرات درسی جایگاه و کارکردی پیدا کرده اند که الزاما با ماهیتشان سازگاری ندارد.

متخصصان و محققان در حوزه ی علوم آموزشی از مدت ها پیش به این مساله واقفند که نمره هایی که به دانش آموزان داده می شود اغلب ماهیتی دلخواهانه (Arbitraire) و جهت گیرانه (Subjective) دارند.

در سال ۱۹۳۸ ، دو روانشناس به نام های هنری لوگیه (Henri Laugier) و داگمار وینبرگ (

Dagmare Weinberg) نتایج تحقیقات خود را در پژوهشی بین المللی در مورد امتحانات و نمرات

منتشر کردند. (۱) این دو محقق برگه های امتحانی یکسانی را برای تصحیح به معلمان مختلف سپردند و

نتایج بسیار متفاوتی به دست آوردند : بین کمترین نمره و بیشترین نمره ای که به یک برگه ی امتحانی داده

شده بود ، در درس فیزیک ۸ نمره ، ریاضی و انگلیسی ۹ نمره ، زبان لاتین و فلسفه ۱۲ نمره و در نهایت در

درس زبان فرانسه ۱۳ نمره اختلاف وجود داشت! به همین منوال تحقیقاتی که نتایج آن ها به دنبال نتایج

این دو تحقیق منتشر شد ، اختلاف زیاد موجود بین نمره هایی که معلمان می دهند را نشان دادند. اما

مساله تنها به همین جا ختم نمی شود ، تحقیقات نشان داده اند یک معلم می تواند در شرایطی مختلف به

برگه ای یکسان نمراتی کاملا متفاوت بدهد. (۲) اگر معلم نسبت به دانش آموز شناخت داشته باشد ، ویژگی

های کلی دانش آموز می تواند در نمره ی وی به صورت ناخودآگاه تاثیر داشته باشد : ظاهر فیزیکی ، طرز

لباس پوشیدن ، وضعیت بدنی و در نهایت طرز رفتار یک دانش آموز می تواند بر سخت گیری یا آسان گیری

معلم او در حین تصحیح برکه تاثیر داشته باشد. امروزه در آموزش و پرورش فرانسه این نوع تاثیر گذاری بر

معلم را به اصطلاح تاثیر هاله ای (Effet de Halo) می نامند.